

موضوع

آسیب های اجتماعی



فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| ۶ | چکیده |
| ۷ | مقدمه |
| ۱۱ | آسیب های اجتماعی چیست؟ |
| ۱۱ | آسیب های اجتماعی از چند جنبه قابل بررسی هستند؟ |
| ۱۳ | موضوعات مورد بحث در آسیب شناسی اجتماعی |
| ۱۳ | اهمیت آسیب شناسی اجتماعی |
| ۱۳ | شیوه عمل آسیب شناسی اجتماعی |
| ۱۴ | گونه شناسی آسیب های اجتماعی |
| ۱۵ | تعریف و هدف های آسیب شناسی |
| ۱۵ | ویژگی های شخصیتی افراد بزهکار و کجرو |
| ۲۶ | پیشنهادات |
| ۲۹ | نتیجه گیری |
| ۳۱ | پی نوشت |
| ۳۲ | کلیدواژه |
| ۳۲ | منابع |

چکیده :

آسیب شناسی اجتماعی Social-Pathology مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری های عضوی و آسیب های اجتماعی (کجرویها) قائل می شوند. واژه آسیب شناسی از دیدگاه پزشکی به فرایند ریشه یابی بیماری ها گفته می شود

آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیر رسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی گیرد و در نتیجه با منبع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرومی گردد. به همین دلیل ، کجروان سعی دارند کجروی ها خود را از دید ناظران قانون ، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند ؛ زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی ، تکفیر اخلاقی ، طرد اجتماعی مواجه می شوند(عبدالهی ،۱۳۸۳:۱۵).

آسیبهای اجتماعی پدیده هایی واقعی، متغیر، قانونمند و قابل کنترل و پیش گیری اند. کنترل پذیری آسیبهای اجتماعی شناخت علمی آنها را در هر جامعه ای برای پاسخ به پرسشهای نظری و عملی و کاربردی از ایده ها و یافته های علمی تولید شده در برنامه ریزی های کوتاه و بلند مدت برای مقابله صحیح با آسیبهای اجتماعی، درمان یا پیشگیری از گسترش و پیدایش آنها را ضروری و پر اهمیت می سازد.

مطالعه انحرافات و کجروی های اجتماعی و به اصطلاح، آسیب شناسی اجتماعی (Social Pathology) عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی نظمی های اجتماعی. در واقع، آسیب شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه یابی بی نظمی ها، ناهنجاری ها و آسیب هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و... همراه با علل و شیوه های پیش گیری و درمان آن ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی است^(۱). به عبارت دیگر، مطالعه خاستگاه اختلال ها، بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی است؛ زیرا اگر در جامعه ای هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید می آید و رفتارها آسیب می بیند. یعنی، آسیب زمانی پدید می آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پای بندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است.

از سوی دیگر، اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی تلقی می شود. سازمان یا هر جامعه ای از اعضای خود انتظار دارد که از ارزش ها و هنجارهای خود تبعیت کنند. اما طبیعی است که همواره افرادی در جامعه یافت می شوند که از پاره ای از این هنجارها و ارزش ها تبعیت نمی کنند. افرادی که همساز و هماهنگ با ارزش ها و هنجارهای جامعه و یا سازمانی باشند، «همنوا» و یا «سازگار» و اشخاصی که برخلاف هنجارهای اجتماعی رفتار کنند و بدان ها پای بند نباشند، افرادی «ناهمنوا» و «ناسازگار» می باشند. در واقع، کسانی که رفتار انحرافی و نابهنجاری آنان دائمی باشد و زودگذر و گذرا نباشد، کجرو یا منحرف نامیده می شوند. این گونه رفتارها را انحراف اجتماعی یا (Social Devianced) و یا کجروی اجتماعی گویند^(۲).

حال سؤال این است که چگونه تشخیص دهیم رفتاری از حالت عادی و به اصطلاح نرمال خارج شده و به حالتی غیرنرمال و نابهنجار تبدیل شده است؟ ملاک ها و معیارهایی وجود دارد. با این معیارها و ملاک ها می توان تشخیص داد که رفتاری در یک سازمان، نهاد و یا جامعه ای عادی و مقبول و نرمال است، یا غیر عادی، غیرنرمال و نابهنجار.

عمدتاً چهار معیار برای این امر وجود دارد :

۱- ملاک آماری: از جمله ملاک های تشخیص رفتار نابهنجار، روش توزیع فراوانی خصوصیات متوسط است که انحراف از آن، غیر عادی بودن را نشان می دهد. کسانی که بیرون از حد وسط قرار دارند، افراد نابهنجار تلقی می شوند و رفتار آنان رفتاری غیرنرمال و انحرافی تلقی می شود. برای مثال، از نظر آماری وقتی گفته می شود که لباسی مُد شده، یعنی بیشتر افراد جامعه آن را می پوشند. بنابراین، صفتی که بیشتر افراد جامعه نپذیرند، خارج از هنجار تلقی شده و غیر طبیعی و نابهنجار تلقی می شود.

۲- ملاک اجتماعی: انسان موجودی اجتماعی است که باید در قالب الگوهای فرهنگی و اجتماعی زندگی کند. اینکه تا چه حد رفتار فرد با هنجارها، سنت ها و انتظارات جامعه و یا نهاد و سازمان خاصی مغایرت دارد و جامعه چگونه درباره آن قضاوت می کند، معیار دیگری برای تشخیص رفتار نابهنجار و بهنجار است. یعنی رفتاری که مورد قبول افراد نباشد و مثلاً

با پوشیدن لباس خاصی از سوی افراد جامعه با عکس العمل آنان مواجه شویم، این گونه رفتارها نابهنجار تلقی می شود. البته، این معیار هم در همه جوامع امری نسبی است.

۳- ملاک فردی: از جمله ملاک های تشخیص رفتار نابهنجار، میزان و شدت ناراحتی است که فرد احساس می کند. یعنی اگر این رفتار خاص، با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی سازمان خاصی مثلاً فرهنگیان و یا کل افراد جامعه ناسازگار باشد، یعنی به سازگاری فرد لطمه بزند و با عکس العمل افراد آن جامعه یا آن نهاد مواجه گردد، چنین رفتاری نابهنجار تلقی می شود^(۳).

۴- ملاک دینی: علاوه بر این، در یک جامعه دینی و اسلامی، معیار و ملاک دیگری برای تشخیص رفتارهای بهنجار از نابهنجار وجود دارد؛ چرا که معیارهای مزبور، معیارهایی است که توسط افراد یک جامعه با قطع نظر از نوع اعتقادات، مورد پذیرش واقع می شود؛ یعنی افراد جامعه در خصوص ارزش یا هنجاری بودن موضوع خاص توافق نموده، در عمل به آن پای بندند و متخلفان را بسته به نوع و اهمیت هنجار، تنبیه می کنند. اما در یک جامعه دینی و اسلامی معیارهای فوق برای ارزش های اجتماعی است و در آنجا کارایی دارد. معیار تشخیص ارزش ها و هنجارهای دینی به وسیله آموزه های دینی تعیین می شود. ممکن است رفتاری خاص در همان اجتماع هنجار تلقی نشود و مرتکبان را کسی توبیخ و یا سرزنش نکند ولی در شرایطی خاص ارتکاب چنین عملی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقی شود. برای مثال، خوردن و آشامیدن در روزهای عادی و حتی در یک جامعه دینی هنجار شکنی تلقی نمی شود. ولی اگر همین عمل در جامعه مذکور و در ماه مبارک رمضان و در ملاء عام صورت گیرد، تخطی از هنجارهای دینی تلقی شده، مجازات سختی هم از نظر دینی و شرعی و هم از نظر اجتماعی در انتظار مرتکب چنین عمل ناپسندی می باشد.

بنابراین، معیار دیگر تشخیص رفتارهای نابهنجار و بهنجار در جامعه دینی، تطبیق و سازگاری و یا عدم تطبیق و ناسازگاری با آموزه ها و هنجارهای دینی است. اگر عمل و رفتاری با هنجارها و آموزه های دینی سازگار باشد، عملی بهنجار و اگر ناسازگار باشد، عملی نابهنجار تلقی می شود.

حال سؤال این است که آسیب ها و انحرافات اجتماعی چگونه پدید می آیند و عوامل پیدایش آسیب ها و انحرافات اجتماعی کدامند؟ بررسی و ریشه یابی انحرافات اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. انحرافات و مسائل اجتماعی امنیت اجتماعی را سلب و مانعی برای رشد و توسعه جامعه محسوب می شود. به طور کلی، هر رفتاری که از آدمی سر می زند، متأثر از مجموعه ای از عوامل است که به طور معمول در طول زندگی سر راه وی قرار دارد و وی را به انجام عملی خاص وادار می کند.

هر چند بررسی عمیق انحرافات اجتماعی مجال دیگری می طلبد، اما به اجمال، به چند عامل مهم پیدایش انحرافات اجتماعی اشاره می گردد.

عوامل به وجودآورنده انحراف و کجروی در جوامع مختلف یکسان نیست و مناطق از نظر نوع جرم، شدت و ضعف، تعداد، و نیز از نظر عوامل متفاوتند. این تفاوت ها را می توان در شهرها، روستاها و حتی در مناطق مختلف و محله های یک شهر

مشاهده کرد. در هر جامعه و محیطی سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی، اقلیمی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز فکر و نگرش خاصی حاکم است که هر یک از این‌ها در حسن رفتار و یا بدرفتاری افراد مؤثر است.

شهرنشینی لجام گسیخته، گسترش حاشیه نشینی و فقر، اتلاف منابع و انرژی را به دنبال دارد. حاشیه نشینی در شهرها، با جرم رابطه مستقیم دارد. تنوع و تجمل، اختلاف فاحش طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، تورّم و گرانی هزینه‌های زندگی، موجب می‌شود تا افراد غیر کارآمد که درآمدشان زندگی ایشان را کفاف نمی‌دهد، برای تأمین نیازهای خود، دست به هر کاری هر چند غیر قانونی بزنند. از دیگر عوامل محیطی جرم، می‌توان فقر، بیکاری، تورّم و شرایط بد اقتصادی نام برد که بر همه‌آحاد جامعه، افشار، گروه‌ها و نهادها تأثیر گذاشته و آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد^(۴).

در پیدایش انحرافات اجتماعی و رفتارهای نابهنجار و آسیب‌زا عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه‌ساز می‌تواند مؤثر باشد:

عوامل فردی: جنس، سن، وضعیت ظاهری و قیافه، ضعف و قدرت، بیماری، عامل ژنتیک و....

عوامل روانی: حساسیت، نفرت، ترس و وحشت، اضطراب، کم‌هوشی، خیال‌پردازی، قدرت‌طلبی، کم‌رویی، پرخاشگری، حسادت، بیماری‌های روانی و...

عوامل محیطی: اوضاع و شرایط اقلیمی، شهر و روستا، کوچه و خیابان، گرما و سرما و....

عوامل اجتماعی: خانواده، طلاق، فقر، فرهنگ، اقتصاد، بی‌کاری، شغل، رسانه‌ها، مهاجرت، جمعیت و... .

از آنجا که ممکن است در پیدایش هر رفتاری، عوامل فوق و یا حتی عوامل دیگری نیز مؤثر باشد، از این رو، نمی‌توان به یک باره فرد بزهکار را به عنوان علت‌العلل در جامعه مقصر شناخت و سایر عوامل را نادیده گرفت.

اگر فرد، هر چند برای سرگرمی و تنوع و تفریح دست به بزهکاری بزند، این کار وی کم‌کم زمینه‌ای خواهد بود تا به سمت و سوی بزهکاری سوق یابد. دلیل عمده این کار، چگونگی شروع به انجام عمل بزهکارانه و کشیده شدن فرد به این راه است. افراد بزهکار افرادی هستند که همه زمینه‌ها و شرایط لازم برای انحراف در آنان وجود دارد. مهم‌ترین عامل در انحراف افراد و ارتکاب عمل نابهنجار، فردی است که موجب سوق یافتن وی به سمت بزهکاری می‌شود؛ چرا که فردی که می‌خواهد اولین بار دست به بزهکاری بزند، نیازمند فردی است که او را راهنمایی کرده و به این سمت هدایت نماید.

دومین عامل، امکانات و شرایطی است که فرد در اختیار دارد و زمینه ارتکاب وی را برای اعمال خلاف اجتماع فراهم می‌آورد.

فقر در خانواده، عدم تأمین نیازهای اساسی خانواده، دوستان ناباب، محیط آلوده و... نیز از عوامل روی آوری فرد به بزهکاری است.

در عین حال، به طور مشخص می توان عوامل عمده زیر را به عنوان بسترها و زمینه های پیدایش انحرافات اجتماعی و یا هر رفتار نابهنجار نام برد؛ عواملی که نقش بسیار تعیین کننده ای در پیدایی هر رفتاری، اعم از بهنجار و یا نابهنجار، ایفا می کنند. در عین حال، مهم ترین عامل یعنی خود فرد نیز نقشی تعیین کننده ای در این زمینه بازی می کنند.

اجمالاً، علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی، به ویژه در میان نوجوانان و جوانان را می توان به سه دسته عمده تقسیم نمود: ۱. عوامل معطوف به شخصیت؛ ۲. عوامل فردی؛ ۳. عوامل اجتماعی.

الف. عوامل شخصیتی

این دسته از عوامل معطوف به عدم تعادل روانی، شخصیتی و اختلال در سلوک و رفتار است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

آسیب شناسی اجتماعی چیست ؟



آسیب شناسی اجتماعی به بررسی انواع مشکلات می‌پردازد که در سطح اجتماعی مطرح هستند و سعی می‌کنند علل مختلف آنها را از جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی و غیره مورد بررسی قرار دهد.

آسیب های اجتماعی که به تعبیر بعضی از اندیشمندان حاصل و معلول مستقیم انقلاب صنعتی هستند، در اکثر جوامع وجود دارند و تأثیرات خود را می‌گذارند. اما آن چه جوامع مختلف را در این مورد از هم متفاوت می‌سازد، نوع نگرش این جوامع به علل به وجود آورنده آسیب ها و راهکارهای اصلاح و بهبود آن است. در مورد نگرش، آن چه مهم است این

که این آسیب ها چرا به وجود آمده اند؟ آیا وجود آسیب ها در جوامع امری لازم و ضروری است یا می توان جامعه ای بدون آسیب داشت؟ پاسخ به این پرسش ها مستلزم شناخت نظریه های مختلف جامعه شناسی و روان شناسی است که هر کدام سعی در تبیین مسائل، آسیب ها و بحران های اجتماعی از نظر گاه های مختلف دارند. این دید گاه ها متأثر از باورهای سیاسی و اقتصادی هر جامعه است.

آسیب های اجتماعی از چند جنبه قابل بررسی هستند :

- از زوایه انسان ، که هر انسان با هر دین و آئین و اعتقاد و فکر ، و مذهب و گرایش و مسلک و ارتباط با جناح یا حزب خاصی یا با ترحم یا با هدایت و یا با همراهی اعتقاد دارند که به گروههای آسیب پذیر یاری نمایند مثلاً هر انسانی دوست دارد به پیر مرد یا پیرزنی کمک کند و هر انسانی دوست دارد به نابینایی کمک کند و...
- از زوایه اجتماعی اگر به این آسیب های اجتماعی بموقع رسیدگی نشود افزایش جرم و جنایت را در پی دارد که مخرب انضباط اجتماعی است
- از جنبه سیاسی ، که اگر توجه نشود کشور را به دامن بیگانگان سوق می دهد و بجای فرهنگ خودی فرهنگ بیگانه در کشور پیاده می شود و به اعتقادات دینی و مذهبی جامعه لطمه وارد می نماید ، وجود آسیب های اجتماعی ، بزرگنمایی و تبلیغات دشمنان کشور را در پی دارد ضمن آنکه وجود آسیب های اجتماعی در کشور اسلامی عامل تبلیغ منفی بر ضد اسلام است لذا لازم است که آسیب های اجتماعی ریشه یابی شود و از کلی گویی در جامعه پرهیز گردد و با ارائه راهکارها ی مدرن به جزئیات آسیب های اجتماعی توجه شود

در برخورد با آسیب های اجتماعی تقلید کورکورانه از بیگانگان جایز نیست به دلیل اینکه آسیب های اجتماعی ارتباط کاملی با سنتهای هر جامعه دارد و الگو برداری از جوامع دیگر صلاح نیست

سؤال ، وظیفه حکومت در این مورد چیست ؟ حکومت خوب حکومتی است که برای حل آسیب های اجتماعی قرمول صحیح و منطقی همراه با نو آوری و ارائه ابتکارات و خلاقیتها در جهت رسیدن به شکوفایی داشته باشد

سیاست های اجتماعی هر جامعه ای روش های مختلفی را در برخورد با آسیب های اجتماعی پیشنهاد می کند. شیوه ی برخورد با این مسائل هم چنان که پیشتر گفته شد، ارتباط مستقیمی با این سیاست ها دارد. این سیاست ها را هم نهادهایی که در تمامی جوامع وجود دارد تعیین می کند. در مورد راهکارهای اصلاح و بهبود آسیب های اجتماعی هم نگاه های مختلفی وجود دارد. عده ای روش انکار و پرده پوشی را تجویز می کنند و عده ای دیگر به روش های پلیسی و سرکوب اعتقاد دارند. جوامعی هم وجود دارند که به این مسائل نگرشی علمی و منطقی دارند و سعی می کنند با قبول وجود این آسیب ها، علت آن ها را با استفاده از روش های علمی بشناسند و برای حذف یا به حداقل رساندن آن ها از روش های منطقی سود ببرند. این جوامع، آنهایی هستند که در آن ها انباشت علمی صورت گرفته و در اثر ارتباط با فرهنگ های مختلف به سطحی از آگاهی رسیده اند که به حق آزادی و برابری انسان ها و حق برخورداری تمامی انسان ها از حقوق مادی و معنوی اعتقاد داشته باشند.

در جوامع مدرن امروز تمایل بر این است که این سیاست ها هرچه بیشتر توسط نهاد آموزش و پرورش و نهاد خانواده به جامعه تزریق شده و نهاد سیاست حداقل دخالت را در این امور دارد. اما در جوامعی که در آن ها نهاد سیاست قدرتمندتر است، این سیاست ها توسط این نهاد وضع و به جامعه دیکته می شود. تجربه نشان داده است که جوامع نوع اول در مهار بحران های اجتماعی موفق تر عمل کرده اند. چون مردم راهکارهای مقابله با آسیب های اجتماعی را وضع واز آن ها حمایت می کنند. اما در جوامعی که سیاست های اجتماعی را نهاد سیاست وضع می کند، لاجرم باید ضمانت های اجرایی آن ها را هم تعیین کند که در این حال استفاده از نیروهای حافظ قوانین و حامی نظام سیاسی مثل پلیس ضرورت پیدا می کند.

حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی نیز به سیاست های اجتماعی مربوط است. در این مورد نیز وقتی حمایت از آسیب دیدگان به طور کامل در اختیار نهاد سیاست قرار می گیرد، این نهاد از دیدگاه منافع خود به آن ها نگاه می کند، اما وقتی مردم یک جامعه به حمایت از این آسیب دیدگان می پردازند، بسیار عمیق تر و کامل تر عمل می کنند. چون مردم در متن این آسیب ها قرار دارند، آن ها را خوب می شناسند و برای حمایت از افرادی که دچار بحران هستند انگیزه های قدرتمندی دارند.

یکی از راهکارهای حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی، سازمان ها و تشکل های غیر دولتی است. این سازمان ها که در تمامی جوامع ریشه دارند در عصر کنونی کارکردهای مختلف و موثری پیدا کرده اند و نقش مهمی در حیات جوامع ایفا می کنند. سازمان های غیردولتی با تاثیرگذاری در وضع و اجرای سیاست های اجتماعی، در نقش های مختلفی مثل مشاور دولت، منتقد دولت و گاه حتی به عنوان بازوی اجرایی سیاست های اجتماعی دولتها فعالیت دارند. این سازمان ها با ویژگی های منحصر به فردی که دارند، امروزه به نماد حکومت مردم تبدیل شده اند و به نظر می رسد در هر جامعه ای که این سازمان ها فعال تر و گسترده تر عمل می کنند، آرمان حکومت مردم بر مردم دست یافتنی تر می نماید.

موضوعات مورد بحث در آسیب شناسی اجتماعی

آنچه روشن است اینکه بحث آسیب شناسی اجتماعی عمدتاً با مسائل و مشکلات سر و کار دارد. پژوهشها و تحقیقات متعدد برای شناخت انواع این آسیبها و علل بروز آنها صورت می‌دهد و نظریاتی را برای حل آن مسائل پیشنهاد می‌کند.

بر این اساس زمینه‌هایی چون فرهنگ و هنجارهای یک جامعه، ویژگیهای اقتصادی و سیاسی و جغرافیایی یک جامعه نیز در حوزه مطالعات آسیب شناسی اجتماعی قرار می‌گیرد. چرا که بررسی آسیبهای اجتماعی بدون در نظر گرفتن شرایط زمینه‌ای یک جامعه میسر نخواهد بود.

چه چیزی به عنوان آسیب شناخته می‌شود؟ حدود و ثغور آن چقدر است؟ عوامل زمینه ساز و علل آشکار کننده آن کدامها هستند؟ در کدام طبقات گسترش بیشتری دارند؟ در کدام سنین گسترش بیشتری دارند؟ توانایی جامعه برای کنترل و نظارت بر آنها چقدر است؟ از چه راههایی می‌توان به کاهش آنها مبادرت کرد؟ همه اینها سوالاتی هستند که در حوزه آسیب شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

اهمیت آسیب شناسی اجتماعی

هر جامعه‌ای متناسب با شرایط خود، فرهنگ، رشد و انحطاط خود با انواعی از انحرافات و مشکلات روبروست که تاثیرات مخربی روی فرآیند ترقی آن جامعه دارد. شناخت چنین عواملی می‌تواند مسیر حرکت جامعه را بسوی ترقی و تعامل هموار سازد، بطوری که علاوه بر درک عمل آنها و جلوگیری از تداوم آن عمل با ارائه راه‌هایی به سلامت جامعه کمک نماید. به عنوان مثال مسأله اعتیاد را در نظر بگیریم. این مسأله هم به عنوان یک مشکل فردی و هم یک معضل اجتماعی مطرح است. روشن است در سطح اجتماعی منجر به از بین رفتن نیروها و انرژی بارآور جامعه می‌شود. شناسایی علل اساسی و کنترل آنها می‌تواند بسیاری از نیروهای از دست رفته جامعه را تجدید نموده، در مسیر کار سالم جامعه هدایت کند.

شیوه عمل آسیب شناسی اجتماعی

آسیب شناسی اجتماعی همچون سایر حوزه‌های اجتماعی و علمی، از شیوه عملی برای بررسی موضوعات مورد نظر خود استفاده می‌کند. به عبارتی برای مطالعه و بررسی علل، زمینه‌ها و راه‌حلها در زمینه کجرویها و آسیبها، هم از لحاظ ذهنی به صورت شناخت مفاهیم خاص و هم به کمک ابزار وسایل تحقیق عینی به صورت پژوهشهای علمی استفاده می‌شود. چنین پژوهشهایی پیرامون انحرافات اجتماعی به صورت تحقیق علمی به حدود ۸۰ - ۹۰ سال پیش باز می‌گردد. البته در آن زمان این پژوهشها کمتر جنبه واقع بینانه داشته‌اند. ولی پس از مدتی پژوهشها بر شالوده‌ای صحیح‌تر استوار شد و تلاش شد از شیوه‌هایی که دقت و اعتبار بیشتری در برآورد مشکلات اجتماعی دارند استفاده گردد.

پرسشنامه‌های مختلف تهیه شد، شیوه‌های اعتبار یابی و استفاده از روشهای معتبر معمول شد و از اصول روش تحقیق که در علوم انسانی کاربرد مفیدی دارد استفاده گردید. به این ترتیب اطلاعات لازم در زمینه انواع انحرافات و مشکلات در

سطح یک جامعه جمع آوری گردید. این فعالیتها سیر تکاملی خود را سیر می کند و همچون پیشرفت سایر علوم شیوه‌های متکاملتری برای بررسی و ارزیابی در زمینه آسیبهای اجتماعی بدست می‌آید.

اجتماعی مطالعه بی نظمی ها و آسیب های اجتماعی همراه با علل و انگیزه های پیدایی آنها و نیز شیوه های پیشگیری و درمان این پدیده ها ، به انضمام مطالعه شرایط بیمار گونه اجتماعی است ؛ زیرا خاستگاه اصلی آسیب ها و گز رفتاری های اجتماعی را باید در کل حیات اجتماعی و نوع خاص روابط انسانی جستجو کرد. نابسامانی های اقتصادی - اجتماعی چون : فقر ، تورم ، گرانی ، بیکاری ، فقدان امنیت مالی و حقوقی و دیگر عواملی که باعث محرومیت» می شوند ، زمینه مساعدی را برای انواع مختلف آسیب های اجتماعی چون: خود کشی ، سرقت ، اعتیاد به مواد مخدر ، الکیسم ، فرزند آزادی ، زور گیری ، طلاق ، گدایی و ... فراهم می آورند . از این رو مفهوم آسیب شناسی گسترده وسیعی پیدا می کند و از ابعاد ارزشی و کاربردی فراوانی برخوردار می گردد.

مطالب موجود به سه بخش جداگانه و در عین حال به هم پیوسته ، تقسیم شده است.بخش اول شامل چپستی آسیب های اجتماعی ، کژ رفتاری ها و جرایم و انواع آنها است و بخش دوم به تبیین سه گانه زیست شناختی ، روان شناختی و جامعه شناختی می پردازد و بخش سوم به بررسی برخی از انواع آسیب های اجتماعی خاص اشاره دارد. در این بخش سعی شده است هریک از آسیب های اجتماعی مورد بررسی دقیق قرار گیرد و با ذکر یک یا چند "مورد" نسبت به تبیین و ریشه یابی آنها اقدام گردد.

گونه شناسی آسیب های اجتماعی

در گونه شناسی آسیب های اجتماعی از ملاک های متفاوتی می توان استفاده نمود. این ملاک ها ، در هر جامعه ای حداقل چهار خرده نظام فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی خاص دارند که در هر یک از این حوزه ها کنشگران فردی و جمعی می توانند با رعایت اصول و قواعد عمل جمعی مورد قبول در آن حوزه ها به چهار نوع سرمایه یا منبع ارزشمند- سرمایه فرهنگی یا دانش ، سرمایه اجتماعی یا تعهد منزلت ، سرمایه سیاسی یا قدرت و سرمایه اقتصادی یا ثروت- مورد نیاز هر جامعه دست یابند(عبدالهی ، ۲۰:۱۳۸۳). هر نوع فعالیتی که خارج از چارچوب اصول و قواعد عام عمل جمعی برای رسیدن به منابع ارزشمند صورت گیرد ، کجروی محسوب می شود. بنابر این ، در مجموع با چهار گونه کجروی روبه رو هستیم (ر.ش: شکل ۱-۱).

تعریف و هدف های آسیب شناسی

در پزشکی به مطالعه و شناخت ریشه بی نظمی های ارگانسیم (موجود زنده) آسیب شناسی

می گویند. در مشابهت کالبد انسانی با کالبد جامعه (نظریه اندام وارگی) می توان آسیب شناسی را مطالعه و ریشه یابی بی نظمی های اجتماعی تعریف کرد.

به گزارش هفت روز؛ در واقع آسیب شناسی اجتماعی ، مطالعه ناهنجاری ها و نابسامانی های اجتماعی نظیر بیکاری ، فقر ، اعتیاد ، خود کشی ، روسپییگیری ، رشوه خواری ، ولگردی ، زورگیری ، گدایی و ... همراه با علل و شیوه های پیشگیری و درمان آنها و نیز شرایط بیمار گونه اجتماعی است.

هدف ها و مقاصد آسیب شناسی اجتماعی را چنین می توان بر شمرد:

- مطالعه و شناخت آسیب های اجتماعی و علل و انگیزه های پیدایی آنها و نیز بررسی شخصیت کثرفتاران و ویژگی های جسمانی ، روانی ، فرهنگی و اجتماعی آنان. شناخت درست درد ها و آسیب ها ، نخستین شرط چاره جویی و بیش از نیمی از درمان است ؛ درد تشخیص ناداده را درمان نتوان کرد ؛ زیرا هر گونه ساختن بدون شناختن ، تیر در تاریکی رها کردن است.
- پیشگیری از آسیب های اجتماعی به منظور بهسازی محیط زندگی و جمعی خانوادگی. از آنجا که پیشگیری همواره ساده تر ، عملی تر و کم هزینه تر از درمان است ، دارای اهمیت بسیار می باشد.
- درمان آسیب دیدگان اجتماعی یا بکارگیری روش های علمی و استفاده از شیوه های مناسب برای قطع ریشه ها و انگیزه های آنان.

تداوم درمان برای پیشگیری و جلوگیری از بازگشت مجدد کث رفتاری و بررسی شیوه های بازپذیری اجتماعی.

در عصر ما پیشگیری مهمتر از درمان است. بسیاری از آسیب شناسان اجتماعی برآنند که برای مبارزه با کث رفتاری ها باید زمینه اجتماعی آنها را از میان برداشت و برای حصول این منظور رعایت دو اصل ضروری است

ویژگی های شخصیتی افراد بزهکار و کجرو

معمولاً ویژگی های شخصیتی افراد بزهکار، بی قاعدگی رابطه و ارتباط میان فرد و جامعه و ارتکاب رفتارهای نابهنجار و خلاف مقررات اجتماعی است، ولی معمولاً از نظر مرتکب و عامل آن در اصل و یا در مواقعی خاص، این گونه رفتارها ناپسند شمرده نمی شود. افراد روان رنجور و روان پریش نسبت به ارزش ها، هنجارها و مقررات اجتماعی بی تفاوت بوده و کمتر آن ها را رعایت می کنند. اعمال و شیوه های رفتاری این گونه افراد نظام اجتماعی را متزلزل و گاهی نیز مختل می

کند و موجب می شود که رعایت ارزش های اخلاقی و هنجارها در جامعه و نزد سایر افراد زیرسؤال رفته و آن را به پایین ترین سطح عمل تنزل دهد.

برخی از مشخصه های بارز و برجسته شخصیتی این گونه افراد، خودمحوری، پرخاشگری، هنجارشکنی، فریبندگی ظاهری و عدم احساس مسئولیت می باشد. این گونه افراد به پیامد عمل خود نمی اندیشند، در کارهای خود بی پروا و بی ملاحظه هستند و در پند گرفتن از تجربیات، بسیار ضعیف بوده و در قضاوت های خود یک سوپه می باشند. این نوع شخصیت ها عمدتاً از محیط اجتماع، خانه و مدرسه فرار کرده، پای بند قواعد، مقررات و هنجارهای اجتماعی نیستند و به دنبال هر چیزی می روند که جلب توجه کند. حتی در پوشش و سبک و شکل ظاهری خویش، به ویژه در شیوه لباس پوشیدن، آرایش مو و صورت به گونه ای که خلاف قاعده و خلاف سبک مرسوم سایر افراد اجتماع باشد، عمل می کنند تا جلب توجه نمایند.

گروهی از افراد بزهکار و کجرو نیز ویژگی های شخصیتی دیگری دارند؛ خودمحور و پیوسته به تمجید و توجه دیگران نیازمندند و در روابط خود با مردم به نیازها و احساسات آنان توجه نمی کنند. این افراد اغلب با رؤیاهایی در مورد موفقیت نامحدود و درخشان، قدرت، زیبایی و روابط عاشقانه آرمانی سرگرم اند. اغلب این افراد والدینی داشته اند که از نظر عاطفی نسبت به آنان بی توجه اند یا سرد و طردکننده بوده و یا بیش از حد به آنان محبت کرده و ارج می نهند.

آنان به علت سرکوب خواسته ها و فقدان ارضای تمایلات درونی، از کانون خانواده بیزار شده و به رفتارهای نابهنجار نظیر فرار از خانه، ترک تحصیل، سرقت و اعتیاد گرایش پیدا می کنند.

گروهی نیز افرادی برون گرا و به دنبال لذت جویی آنی هستند، دم را غنیمت می شمارند، دوست دارد در انواع میهمانی ها و جشن ها شرکت کنند، تشنه هیجان و ماجراجویی اند، به همین دلیل برای لذت جویی دست به اعمال خلاف و بزهکارانه می زنند.

سرانجام گروهی از افراد بزهکار نیز مشخصه بارزشان، پرجوش و خروشی و بیان اغراق آمیز، هیجانی، روابط طوفانی بین فردی، نگرش خودمدارانه و تأثیرپذیری از دیگران است. این گونه شخصیت ها برای آنکه «خود»ی نشان دهند، هر تجربه ای را حتی اگر برای آنان گران تمام شود، انجام می دهند. هیجان طلبی، ماجراجویی، تنوع طلبی، کنجکاوی، استقلال طلبی افراطی، خودباختگی احساسی و غلبه کنش های احساسی بر کنش های عقلانی از جمله مشکلات رفتاری است که فرد را به سوی موقعیت های خطرناک و ارتکاب اعمال بزهکارانه رهنمون می کند.

از دیگر مشکلات روحی روانی که منجر به رفتارهای ضداجتماعی می شود، می توان به ضعف عزت نفس، احساس کهنتری، فقدان اعتماد به نفس، احساس عدم جذابیت، افسردگی شدید، شیدایی و اختلال خلقی اشاره نمود. چنین افرادی معمولاً مستعد انجام رفتارهای نسنجیده و انحرافی هستند.

ب. عوامل فردی

در حوزه عوامل فردی، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- آرزوهای بلند؛
- ۲- خوش گذرانی و لذت طلبی؛
- ۳- قدرت، استقلال و عافیت طلبی؛
- ۴- زیاده خواهی؛
- ۵- بی بندوباری و لاپالی گری؛
- ۶- بی هویتی و بی هدفی در زندگی.

افراد گاهی اوقات برای رسیدن به آمال و آرزوهای بلند و دست نیافتنی و مدینه فاضله ای که رسانه های ملی و یا ماهواره ها تبلیغ می کنند، مرتکب جرایم می شوند. گاهی اوقات هم ارتکاب جرایم را فقط یک کار تفننی و به عنوان گذران اوقات فراغت می دانند با اینکه ممکن است در خانه و محیط اطراف خود مشکل حادی هم نداشته باشند که آنان را مجبور به ارتکاب رفتار نابهنجار نماید، ولی فقط به خاطر اینکه در چند روز زندگی خوش باشند، دست به ارتکاب اعمال خلاف عرف و اجتماع می زنند.

گاهی نیز افراد از نعمت خانواده و والدین عاطفی برخوردارند، اما به خاطر شکست در تحصیلات و ناتوانی در ادامه تحصیل، تحقیر معلمان و فشارهای بی مورد والدین مجبور می شوند خود را به گونه ای دیگر نشان دهند و به اصطلاح «خودی» نشان دهند. و این حکایت از میل به استقلال طلبی، قدرت طلبی و یا عافیت طلبی در نوجوانان و جوانان دارد که به دلیل عدم ارضای صحیح آن دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زند^(۵).

عده ای از نوجوانان نیز به دلیل روحیه تنوع طلبی و زیاده خواهی و عدم تربیت صحیح و عدم هدایت درست این غریزه طبیعی، دست به اعمال خلاف می زنند.

گاهی هم عده ای ممکن است دارای زندگی مرفهی باشند و هیچ گونه کمبود مالی و عاطفی نداشته باشند، ولی به دلیل این که روحیه فاسدی دارند و به اصطلاح بی بند و بار و بی هویت اند و یا هدفی در زندگی ندارند، میل به بزهکاری پیدا می کنند.

ج. عوامل اجتماعی

در بررسی آسیب ها و انحرافات اجتماعی، به عنوان یک پدیده اجتماعی، به علل اجتماعی انحرافات می پردازیم. به هر حال، عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می گردد:

۱- عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی

مطالعات و تحقیقات نشان می دهد تا زمانی که اعضای جامعه پای بند به اعتقادات مذهبی خود باشند، خود و فرزندانشان به فساد و بزهکاری روی نمی آورند. در پژوهشی که توسط مرکز ملی تحقیقات اجتماعی کشور مصر در سال ۱۹۵۹ صورت گرفته است، ۷۲ درصد نوجوانان بزهکار، که به دلیل سرقت و دزدی توقیف و یا زندانی شده بودند، نماز نمی گزاردند و ۵۳ درصد آنان در ماه رمضان روزه نمی گرفتند^(۶). به هر حال، این اندیشه که کاهش ایمان مذهبی یکی از علل عمده افزایش نرخ جرم در جوامع پیشرفته و غربی است، نظری عمومی است. تحقیقات صورت گرفته در کشور نیز مؤید همین نظریه است.

بنابراین، افزایش انحرافات اجتماعی می تواند ناشی از عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی باشد.

۲- آشفتگی کانون خانواده

از دیگر مؤلفه های مهم در سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت و سوی بزهکاری و انحرافات اجتماعی، گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده است. هر چند در بسیاری از خانواده ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانواده صورت می گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می کند.

در برخی از خانواده ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ والدین و... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این گونه خانواده ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت کننده ای در جریان زندگی نداشته، در پاره ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای مواج اجتماع، گرفتار ناملایمات می شوند^(۷).

علاوه بر طلاق، مرگ پدر و یا مادر نیز بسان آواری سهمگین بر کانون و پیکره خانواده سایه افکنده، و در برخی موارد به دلیل بی توجهی یا کم توجهی به فرزندان و جایگزین شدن عنصر نامناسب به جای فرد از دست رفته، ضعیف شدن فرایند نظارتی خانواده، افزایش بیمارگونه بحران های روحی و روانی فرزندان و... موجب روی آوردن فرد به ناهنجاری ها و انحرافات اجتماعی می شود.

بر اساس نتایج یک پژوهش، ۴۷ نفر از جامعه آماری به نحوی از انحا از جمله عوامل کلیدی و مهم بزهکاری خویش را والدین، خانواده، بی توجهی، بی موالاتی و عدم نظارت آنان دانسته اند؛ به عبارت دیگر، از نظر آنان والدین ایشان در بزهکاری شان نقش داشته اند^(۸).

بر اساس نظریه «کنترل» دورکیم که معتقد است ناهم‌نواپی و هنجارشکنی و کجروی افراد ریشه در عدم کنترل صحیح و کارای آنان دارد، به طوری که هرچه میزان کنترل اجتماعی بیشتر باشد و نظارت های گوناگون از راه های رسمی و غیررسمی، بیرونی و درونی، مستقیم و غیرمستقیم توسط والدین و جامعه وجود داشته باشند و حساسیت مردم و مسئولان افزایش یابد، میزان هم‌نواپی مردم بیشتر خواهد بود، نیز بیانگر همین مسئله است که آشفتگی کانون خانواده یکی از عوامل مهم سوق یافتن فرزندان به سوی انحرافات اجتماعی است.

همچنین با توجه به پژوهش های صورت گرفته در این زمینه، سارقان عمده عوامل سارق شدن خویش را «بد رفتاری، بداخلاقی، بی تفاوتی، بدزبانی و عدم برآورده شدن انتظارات از سوی همسر، خانواده و والدین» دانسته اند^(۹).

در یک پژوهش، حدود ۶۸ درصد سارقان معتقدند که والدینشان در گرایش آنان به سرقت نقش داشته اند.

با توجه به همین پژوهش، عدم رضایت از رفتار والدین، تربیت ناصحیح، عدم کنترل و نظارت بر فرزندان، مشکلات عاطفی ناشی از فوت یکی از والدین، بی تفاوتی والدین، بی سوادی آنان و... جملگی حکایت از عدم امکان و یا عدم کنترل و نظارت فرزندان توسط والدین داشته و از آن رو که ارتباط صمیمانه والدین با فرزندان در این پژوهش به میزان قابل توجهی کم بوده و والدین نسبت به فرزندان خویش بی توجه بوده اند، این گونه رفتارها موجب سرخوردگی فرزندان شده، زمینه ساز بروز مشکلات رفتاری برای آنان شده است. روی آوری به سرقت یکی از راه های برون رفت از نظر جوانان در این پژوهش تلقی شده است^(۱۰).

۳- طرد اجتماعی

چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد بزهکار، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهرآمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می یابد. این نوع برخورد، همواره به عنوان هزینه ارتکاب هر جرمی مدنظر است. علاوه بر این، افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی پایینی هستند و یا از نقص عضو، بیماری جسمی، روحی، و مشاغل پایین خود یا والدین شان رنج می برند، نیز از سوی افراد جامعه مورد بی مهری قرار گرفته و ناخواسته طرد می شوند. این گونه افراد برای جبران این نوع کمبودها، و شاید هم برای رهایی از این گونه بی مهری ها و معضلات، دست به ارتکاب جرایم و انواع انحرافات اجتماعی می زند^(۱۱).

۴- نوع شغل

از دیگر متغیرهایی که در مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در زمینه ارتکاب بزهکاری و انحرافات اجتماعی نقش بسزایی دارد، و مورد تأکید قرار گرفته است، ارتباط نوع شغل افراد با انحراف و بزهکاری است. همواره رابطه ای بین وضع فعالیت و

شغل فرد با نوع رفتارهای وی وجود دارد. گرچه بین بی کاری و سابقه جرم و زندانی و دفعات ارتکاب جرم، رابطه معناداری مشاهده می شود، ولی این امر بدین معنا نیست که لزوماً بیکاری علت تکرار جرم باشد؛ زیرا ممکن است این رابطه به صورت معکوس باشد؛ یعنی کسانی که بیشتر مرتکب جرم می شوند، بیشتر شغل خود را از دست داده و بیکار می شوند. در یک مطالعه، ۷۹ نفر، که بر اثر زندان شغل خود را از دست داده بودند، دارای دلایل متفاوتی بودند. از جمله، بی اعتماد شدن مدیریت، (۳۸ نفر)، مقررات مربوط به کارکنان دولت (۱۹ نفر)، غیبت طولانی از محیط کار (۱۲ نفر) و از دست دادن سرمایه (۱۰ نفر)^(۱۲).

از جمله نکات مهم در نوع شغل، حساس بودن و اهمیت شغل است. هر چه شغل فرد مهم تر و از حساسیت بیشتری برخوردار باشد، هزینه ارتکاب جرم نیز افزایش می یابد. این مهم در خصوص مشاغل دولتی حایز اهمیت است. در حالی که، بیشتر مشاغل مستقل چنین حساسیتی ندارند و مجازات زندان موجب از دست دادن شغل مذکور نمی شود. بر اساس نتایج یک تحقیق، با افزایش مدت زندان و حبس، دفعات از دست دادن شغل افراد نیز افزایش می یابد^(۱۳).

علاوه بر این، مشاغل دارای اعتبار و منزلت اجتماعی پایین و کم درآمد نیز موجب می شود که فرد صاحب چنین شغلی برای جبران هزینه های زندگی و افزایش اعتبار و یا منزلت خویش به شغل های دوم و سوم روی آورده، و ناخواسته از خانه، کاشانه، زن و فرزندان و تربیت آنان غافل شده، موجبات گسست، تلاشی خانواده و انحرافات آنان را فراهم آورد. در یک پژوهش از میان سارقان، بالاترین تراکم مشاغل افراد سارق، مربوط به مشاغل کارگری، رانندگی و دامداری بوده است. عموماً مشاغل افراد سارق، از نوع مشاغل سطح متوسط به پایین جامعه است. این نوع مشاغل عموماً پرزحمت و کم درآمد می باشد^(۱۴).

۵- بی کاری و عدم اشتغال

از دیدگاه جامعه شناسان و روان شناسان بی کاری یکی از ریشه های مهم بزهکاری و کجروی افراد یک جامعه است. بی کاری موجب می شود که افراد بیکار جذب قهوه خانه ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شده، به تدریج، به دامان انواع کجروی های اجتماعی کشیده شوند.

علاوه بر این، چون بی کاری زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی است، افراد با زمینه قبلی و برای کسب درآمد بیشتر دست به سرقت می زنند؛ چرا که فرد به دلیل نداشتن شغل و درآمد ثابت برای تأمین مخارج زندگی مجبور است به هر طریق ممکن زندگی خود را تأمین نماید. از نظر چنین فردی، بزهکاری به ظاهر معقول ترین و بهترین این راه هاست. حاصل تحقیقات صورت گرفته نیز حکایت از تأثیر قاطع بی کاری و فقر بر افزایش بزهکاری دارد^(۱۵).

۶- فقر و مشکلات معیشتی

در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و ارتکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوایی را در فرزندان فراهم می سازد.

این امر موجب می شود تا این افراد برای التیام ناراحتی های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند.

از سوی دیگر، امروزه فشارها و مشکلات اقتصادی، احتمال دو شغله بودن یا اشتغال نان آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیر مجاز را افزایش داده است. همین مسئله منجر به کم توجهی آنان نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آن ها گردیده است. در این زمینه، انعکاس شرایط افسانه ای برخی زندگی ها و نمایش فاصله های طبقاتی توسط رسانه ها نقش مؤثری در ازدیاد این مشکل دارند^(۱۶).

در یک پژوهش صورت گرفته در استان قم در ارتباط با علل و عوامل سرقت در میان جوانان قمی، سارقان مورد مطالعه چنین پاسخ داده اند^(۱۷):

«اگر شغل مناسبی داشتم»؛ «اگر از نظر مالی بی نیاز بودم» و «اگر مسکن مناسبی داشتم» دست به سرقت نمی زد.

از سوی دیگر، بر اساس یافته های همین پژوهش، حدود ۴۷ درصد افراد یا بی کارند و یا فاقد درآمد و حدود ۶۹ درصد افراد سارق و خانواده های ایشان در این پژوهش، زیر خط فقر قرار دارند! در حالی که، به گزارش بانک جهانی میانگین شهروندان ایرانی که زیر خط فقر زندگی می کنند از ۴۷ درصد در سال (۱۹۷۸) ۱۳۵۷ به ۱۶ درصد در سال ۱۳۷۸ (۱۹۹۹) کاهش یافته است^(۱۸).

علاوه بر این، پژوهش های نظری نیز مؤید این دیدگاه است که فقر زمینه ساز بسیاری از معضلات اجتماعی است. برای نمونه، از نظر مرتون هنگامی که افراد نتوانند وسایل لازم را برای رسیدن به هدف های موردنظر در اختیار داشته باشند (و یا جامعه در اختیار ایشان قرار ندهد)، و هدف اصلی فراموش شود، افراد اهداف و آرمان های موردنظر جامعه را نمی توانند با پیروی از راه های مجاز و نهادی شده تعقیب کنند، از این رو، دزدی، فریب کاری، فساد، رشوه، و ارتکاب انواع جرایم در جامعه افزایش می یابد^(۱۹).

۷- دوستان ناباب

گروه همسالان و دوستان الگوهی مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و میس هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می شود. از این رو، به شدت متأثر از آن گروه می گردد، تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد. تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چرا که فرد پس از خانواده، منحصرًا زیر نفوذ گروه قرار می گیرد. بدین روی، اگر فردی با گروهی از معتادان رابطه برقرار کند و با آنان دوست شود، به تدریج تحت تأثیر رفتار آنان قرار می گیرد و معتاد می شود؛ چون از سویی، ملاک پذیرش و قبول فرد توسط یک گروه و جمع، پذیرفتن فرهنگ آن هاست و از سوی دیگر، معتادان هم علاقه مندند که مواد مخدر را به طور دسته جمعی استعمال کنند که هم در موقع استعمال مصاحبی داشته باشند و هم از شدت فشار سرزنش اجتماع بر خود بکاهند. از این رو، معتادان علاقه مندند که دوستان و همسالان خود را به جرگه اعتیادشان بکشانند. در این صورت، اگر نوجوانی از تعلیم و تربیت مقدماتی و صحیح خانوادگی محروم باشد و خانواده اش او را از مضرات اعتیاد مطلع نکرده باشند و در محیط اعتیاد زندگی کند و با دوستان معتاد نیز سر و کار داشته باشد، احتمال اینکه معتاد شود زیاد است^(۲۰). همین فرایند تأثیر گروه بر فرد در سایر انواع بزهکاری به غیر از اعتیاد نیز صادق است.

ساترلند در نظریه «انتقال فرهنگی کجروی» خود بر این نکته مهم تأکید می کند که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران یعنی منحرفان و دوستان ناباب آموخته می شود و همان گونه که همنوایان از طریق همین ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش های فرهنگی آن گروه و جامعه را پذیرفته، خود را با آن انطباق می دهند، افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن، به سمت و سوی ناهمنوایی سوق داده می شوند^(۲۱).

این نظریه تأکید می کند که فرد منحرف تنها با هنجارشکنان، و فرد همنوای تنها با افراد سازگار ارتباط ندارد، بلکه هر انسانی با هر دو دسته این افراد سر و کار دارد. اما اینکه کدام یک از آن دو گروه، فرهنگ خود را منتقل می کنند و تأثیر می گذارند، معتقد است که به عوامل دیگری نیز بستگی دارد که این عوامل عبارتند از:

۱- شدت تماس با دیگران: احتمال انحراف فرد در اثر تماس با دوستان یا اعضای خانواده منحرف خود، به مراتب بیشتر است تا در اثر تماس با آشنایان یا همکاران منحرف خود؛

۲- سن زمان تماس: تأثیرپذیری فرد از دیگران در سنین کودکی و جوانی بیش از زمان های دیگر و سایر مقاطع سنی است؛

۳- میزان تماس با منحرفان در مقایسه با تماس با همنوایان: هرچه ارتباط و معاشرت با کج رفتاران نسبت به همنوایان بیشتر باشد، به همان میزان احتمال انحراف فرد بیشتر خواهد بود^(۲۲).

علاوه بر این، پژوهش های میدانی نیز مؤید همین سخن است. در یک پژوهش، ۵۰ درصد بزهکاران و سارقان اظهار کرده اند که دوستان ایشان توسط پلیس دستگیر شده اند و نیز حدود ۴۷ درصد از آنان، تیپ دوستانشان نوعاً افراد خلافکار بوده اند! ۸۷/۵ درصد از آنان نیز اظهار کرده اند که دوستان ناباب نقش زیادی در سارق شدن افراد دارند. و ۵۳ درصد از همین افراد اظهار کرده اند که به خاطر جلب توجه دوستانشان دست به سرقت زده اند.^(۲۳)

در این خصوص سخنان رهبران دینی نیز شنیدنی است. در سخنان پیامبرگامی صلی الله علیه و آله آمده است: «المرء علی دین اخیه»؛^(۲۴) هر انسانی بر شیوه و طریقه دوست و رفیق خود زندگی می کند.

از این رو، رهبران دینی ما را از ارتباط و معاشرت با افراد منحرف و بزهکار و دوستان ناباب باز می دارند. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «مُجالسَةُ اهل الیهوی منسأةٌ للایمان و محضرةٌ للشیطان.»^(۲۵) همنشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می سپارد و شیطان را حاضر می کند.

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید: «لاتصحبوا اهل البدع و لاتجالسوهم فتصیروا عند الناس کواحدٍ منهم»؛^(۲۶) با افراد منحرف همنشینی و معاشرت نداشته باشید؛ زیرا همنشینی با آنان موجب می شود که مردم شما را یکی از آنان به شمار آورند.

۸- محیط

محیط نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در پیدایش رفتارهای شایسته و یا ناشایست است. اگر در منزل و خانه، کوچه، خیابان و مدرسه، و محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکاری وجود داشته باشد، فردی را که آمادگی انحراف در او وجود دارد، به سوی جرم و ارتکاب رفتار بزهکارانه سوق می دهد.

در پیدایش هر جرمی، با تحلیل دقیق، به این نتیجه می رسیم که محیط اجتماعی بستر کاملاً مناسبی برای فرد بزهکار فراهم آورده و عامل مهمی برای پیدایش رفتار مجرمانه توسط وی بوده است. اگر فساد و تباهی و بی بند و باری بر جامعه حاکم باشد، افراد مستعد در گرداب تباهی های آن اسیر می شوند و اگر نظام اجتماعی بر معیارها و الگوهای ارزشی استوار باشد و برنامه های هدف دار و مشخصی طرح ریزی گردد، امکان انحراف اجتماعی در جامعه و در میان افراد بسیار ضعیف خواهد بود. به گفته یکی از محققان، محیط در شکل گیری شخصیت و منش انسان نقش بسیار تعیین کننده و مؤثری ایفا می کند و رفتار انسان که نشانه ای از شخصیت و منش اوست، تا حد زیادی، ناشی از تربیت اکتسابی از محیط است.^(۲۷) بنابراین، محیط آلوده، افراد را آلوده و محیط سالم و با نشاط، زمینه ساز رشد و شکوفایی و شادابی و نشاط افراد است.

۹- فقر فرهنگی و تربیت نادرست

از دیگر عواملی که موجب سوق یافتن جوانان به سوی انحرافات اجتماعی است، فقر فرهنگی و محدودیت‌ها و تبعیض‌های ناشی از فقر فرهنگی می‌باشد. از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده‌هاست. چنان که سطح تحصیلات (بی سواد و یا کم سواد اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه‌های مذهبی، عدم هم‌نوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتها به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه‌هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک‌های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرایم آنان را دوجندان می‌کند.

تبعیض جنسیتی و یا تبعیض بین فرزندان نیز از جمله عوامل مهم فقر خانوادگی است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنان و دل‌سردی آنان از زندگی می‌شوند. تبعیض در برخورد با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض‌آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا به عکس، موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می‌شود.

تبعیض در خانه با روحیه حساس و عزت نفس فرزندان منافات دارد و خسارات جبران‌ناپذیری را بر روح و روان آنان وارد می‌کند و با ایجاد بحران‌های روحی و سرخوردگی، آنان را به سوی عکس‌العمل‌های منفی نظیر سرقت، اعتیاد و فرار از خانه سوق می‌دهد^(۲۸).

همان‌گونه که عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان می‌تواند عامل بروز ناهنجاری‌های رفتاری در فرزندان شود، توجه بیش از حد متعارف و در اختیار قرار دادن امکانات رفاهی زیاد هم می‌تواند زمینه بروز ناهنجاری‌های رفتاری در آنان شود.

در شیوه فرزندسالاری، اغلب تمایلات و خواسته‌های فرزندان محقق می‌شود، از این رو، به محض ایجاد مشکلات و بحران‌ها و فشارهای زندگی، که در آن امکان تحقق برخی از نیازها سلب می‌شود و یا در شرایطی که خواسته‌های فرزند به افراط می‌گراید و والدین با آن مخالفت می‌نمایند، فرزند به دلیل تربیت شدید عاطفی، روحیه عدم درک منطقی شرایط، نازپروری و بی‌تحملی در برابر مخالفت والدین، عصیان و طغیان نموده و همین امر موجب دوری او از والدین و اعضای خانواده می‌گردد و سرانجام می‌تواند زمینه ارتکاب انواع جرایم را فراهم سازد^(۲۹).

۱۰- رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی

رسانه های دیداری، شنیداری و مکتوب می توانند از جمله مؤلفه های در خور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری جوانان به سمت و سوی بزهکاری و رفتارهای انحرافی باشند. بررسی ها نشان داده اند در ظرف چند سال اخیر و در پی ورود برخی مطبوعات زرد (= مبتذل، عامه پسند و جنجالی) به عرصه رسانه های کشور و استفاده این نشریات از عناوین جنجالی و هیجانی و همچنین بهره گیری از شخصیت های سینمایی و هنری و درج اخبار بی محتوا و توأم با بزرگ نمایی، انعکاس بیش از حد اخبار مربوط به بازیگران سینما و توجه مفرط به اخبار و حوادث، توجه تعداد قابل توجهی از نوجوانان و جوانان به مطالب مندرج در آن ها جلب شده است. این مسئله موجبات فراهم آوردن زمینه های آسیب های اجتماعی مختلف شده است.

از سوی دیگر، پخش شمار قابل توجهی از سریال های تلویزیونی، از طریق صدا و سیما و یا شبکه های ماهواره ای خارجی، با مضامین زندگی های مجردگونه غربی توأم با جذابیت، نشاط، رفاه، موفقیت و به طور کلی با تصویرسازی مثبت از این نوع زندگی های از هم گسیخته، نقش مؤثری در تقویت انگیزه گریز از قید و بندهای خانوادگی و هنجارها، و ارتکاب جرایم اجتماعی ایفا کرده است^(۳۰).

نقش رسانه های جمعی، به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پای بندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حایز اهمیت است^(۳۱).

پیشنهادات

الف. اقدامات پیشگیرانه

در اینجا برای پیشگیری از ارتکاب عمل بزهکارانه توسط افراد به ویژه نوجوانان یا جوانان پیشنهاداتی ارائه می شود:

۱- هماهنگ کردن بخش های عمومی و خصوصی که در زمینه پیش گیری از وقوع جرم فعالیت دارند؛ مانند نیروی انتظامی، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش، شهرداری ها، شوراها، امور جوانان، بهزیستی و... به منظور اجرای برنامه عملی پیش گیرانه و هماهنگی بیش تر؛

۲- آگاهی دادن به خانواده ها برای نظارت و کنترل بیشتر آنان بر فرزندان و گوشزد کردن میزان مجازات جرایم در صورت ارتکاب جرم توسط آنان؛

۳- اتخاذ تدابیر امنیتی بیش تر توسط دولت در محل های جرم خیز و اقداماتی به منظور کمک به خانواده ها، بخصوص نوجوانان و جوانانی که در معرض آسیب قرار دارند؛

۴- اطلاع رسانی شفاف رسانه های جمعی برای تشویق جوانان درباره تسهیلات و فرصت هایی که جامعه برای آنان قرار داده است؛

۵- تجهیز پلیس برای مقابله جدی با باندهای مخوف انواع گوناگون بزهکاری اجتماعی در جامعه؛

۶- اقدامات امنیتی برای مراکز حساس تجاری، بانکی و ...

ب. راهکارهای شناسایی مشکلات نوجوان و جوانان

علاوه بر اقدامات پیش گیرانه، شناسایی راهکارهایی برای شناخت مشکلات نوجوانان و جوانان امری لازم و ضروری است. مواردی چند در این زمینه مطرح است:

۱- شناخت نیازهای روانی و کیفیت ارضای این نیازها در شادابی و نشاط فرد بسیار مؤثر است و ارضا نشدن آن و یا ارضای ناقص آن، اثرات نامطلوب بر جای گذاشته و زندگی را به کام فرد تلخ می کند و فرد را به انحراف می کشاند.

۲- توجه به مشکلات جسمانی فرد، مشکلاتی همچون اختلال در گویایی، بینایی، شنوایی، جسمانی و عقب ماندگی ذهنی.

۳- توجه به مشکلات آموزشی، مانند ناتوانی در یادگیری، ترک تحصیل، افت تحصیلی، بی توجهی به تکالیف درسی و تقلب در درس.

۴- توجه به مشکلات عاطفی، روانی، همچون افسردگی، خیال بافی، بدبینی، خودکم بینی، خودبزرگ بینی، زود رنجی، خودنمایی، ترس، اضطراب، پرخاشگری، حسادت، کم حرفی و وسواس.

۵- توجه به مشکلات اخلاقی، رفتاری همچون تماس تلفنی و نامه نگاری با جنس مخالف، معاشرت با جنس مخالف، شرکت در مجالس، خود ارضایی، چشم چرانی، فرار از منزل، غیبت از مدرسه، اقدام به خودکشی، سرقت، دروغگویی، اعتیاد، ولگردی و...

ج. وظایف خانواده

خانواده ها نیز وظایفی در مقابل پیش گیری از جرم و بزهکاری فرزندان دارند که به برخی از آن ها اشاره می گردد:

۱- دوستی با فرزند و حذف فاصله والدین با فرزندان، به گونه ای که آنان به راحتی مشکلات و نیازهای خود را به والدین بگویند؛

۲- تقویت اعتقادات فرزند، به ویژه در کودکی و نوجوانی، در کنار پای بندی عملی والدین به آموزه های دینی؛

۳- ایجاد سازگاری در محیط خانه؛

۴- ایجاد بستر مناسب برای احساس امنیت، آرامش، صفا و صمیمیت و درک متقابل والدین و فرزندان؛

۵- تلاش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان توسط والدین؛

۶- توجه به نیازهای روحی و عاطفی اطفال و نوجوانان و ایجاد فضای مطلوب و آرام در خانواده؛

۷- مراقبت والدین نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود؛

۸- برنامه ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛

۹- نظارت جدی والدین نسبت به دوست یابی فرزندان.

د. وظایف سایر نهادها

علاوه بر خانواده، سایر نهادها از جمله مجموعه حاکمیت، آموزش و پرورش، نهاد قضایی، بهزیستی و... نیز در این زمینه وظایفی دارند که به برخی از آن ها اشاره می گردد:

۱- تقویت ارتباط میان والدین دانش آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی؛

۲- تقویت مراکز مشاوره ای مفید و کارآمد در مدارس؛

۳- بها دادن به مسئله ترک تحصیل و یا اخراج دانش آموزان از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده های آنان؛

۴- ضرورت آشنایی نیروهای نظامی و انتظامی با انحرافات اجتماعی و نحوه برخورد با آنان؛

۵- اعمال مجازات های سنگین، علنی و جدی (در ملاء عام) برای باندهای فساد، اغفال و...؛

۶- تقویت نظارت های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر برای پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی های اجتماعی؛

۸- برنامه ریزی اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه، رفع بی عدالتی، و پی گیری منطقی نیازهای جوانان، تأمین امنیت و نیاز شهروندان؛

۹- جلوگیری از مهاجرت های بی رویه به شهرهای بزرگ و جلوگیری از پرداختن جوانان به اشتغال های کاذب مثل کوپن فروشی، سیگار فروشی، نوارفروشی و...؛

۱۰- ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی، مشاوره ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛

۱۱- ایجاد تسهیلات لازم برای جوانان و نوجوانان از قبیل وام ازدواج، وام مسکن، وام اشتغال، و...؛

۱۲- ایجاد بستر مناسب برای ایجاد بیمه همگانی، بیمه بی کاری، و برخورداری نوجوانان و جوانان از تسهیلات اجتماعی و...؛

۱۳- فراهم کردن موقعیت ها و بسترهای لازم در جامعه تا زندانیان پس از آزادی از زندان مورد پذیرش جامعه واقع شوند و شغل آبرومندانه ای به دست آورند؛ در غیر این صورت، مجددا دست به اقدامات بزهکارانه خواهند زد؛

۱۴- از آن رو که از جمله عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، بی کاری و فقر می باشد، می بایست با برنامه ریزی دقیق، که نیاز به عزم ملی دارد، نسبت به اشتغال در جامعه و ریشه کنی فقر و بی کاری اقدام لازم و بایسته صورت گیرد.

نتیجه گیری

نوجوانی و جوانی یکی از مهم ترین مراحل زندگی آدمی محسوب می شود و آخرین مرحله تحوّل شناختی و گذار از مرحله «پیرو دیگران بودن» به دوره «مستقل بودن» است؛ دوره ای که نوجوان به هویت واقعی خویش دست می یابد. نوجوان با خود می گوید: «اکنون من دیگر کودک نیستم، یک بزرگ سالم.» در این مرحله، دیگر والدین نمی توانند به او کمک چندانی بکنند؛ چه اینکه وی الگوهای خود را در جای دیگری جست و جو می کند. میل به اظهار وجود و اثبات خود یکی از طبیعی ترین حالات روانی دوره نوجوانی و جوانی است.

نوجوان و جوانی که دوره کودکی را پشت سر گذارده، باید خود را برای زندگی مستقل اجتماعی آماده نماید. تحقق این موضوع، پیش از هر چیز، مستلزم یافتن هویت خویشتن است. اینک او خود را یافته است. اگر بزرگ سالان ویژگی های این دوره زندگی او را بشناسند و با آنان برخوردی مناسب داشته باشند، هم نوجوانان به هویت خویش دست می یابند و هم بزرگ سالان کمتر احساس نگرانی می کنند. از این رو، می توان گفت: بیشتر انحرافات نوجوانان و جوانان ریشه در ناکامی های اولیه زندگی دارد.

امام صادق علیه السلام با بیان حکیمانه ای به این دوره از زندگی نوجوان اشاره می کند و می فرماید: «أَلَوْلَدُ سَيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ وَ عَبْدُ سَبْعِ سِنِينَ وَ وَزِيرُ سَبْعِ سِنِينَ.» کودک هفت سال اول، سید و فرمان رواست. او را آزاد بگذارید تا استقلال در عمل پیدا کند. در هفت سال دوم، آمادگی خاصی برای الگوپذیری دارد؛ چه اینکه هنوز در مرحله دیگر پیروی قرار دارد و الگوپذیر است. از این رو، سعی کنید در این دوره، الگوهای مناسبی در اختیارش قرار دهید و محیط تعلیم و تربیت او را هرچه بیشتر غنی و اصلاح کنید تا از طریق مشاهده الگوهای مفید و جذاب، رشد کند. اما در مورد دوره نوجوانی می فرماید: «وزیر سبع سنين»؛ یعنی دوره «پیروی دیگران بودن» او سپری شده و با آغاز نوجوانی، دوره دست یابی به هویت خویشتن آغاز شده است. او را آزاد بگذارید تا خود انتخاب کند و حتی در مورد مسائل گوناگون زندگی با او مشورت کنید و از او نظر خواه باشید.

اگر با نوجوان این گونه برخورد شود و به او شخصیت و هویت و اعتبار اعطا شود، طبیعی است که هم اعتماد به نفس او تقویت می شود و هم احساس امنیت و آرامش می کند. این اساسی ترین راه برای تربیت نوجوان است.

بنابراین، هر رفتاری که از آدمی سر می زند، نشئت گرفته و متأثر از مجموعه ای از عوامل است که هرگز نمی توان نوجوان و یا جوان را یکسره مقصر و مجرم اصلی دانست و دیگران را بی گناه. با نگاه فوق، اساساً زمینه پیدایش جرم از بین می رود. از این رو، در پیدایش بزهکاری و رفتارهای نابهنجار و آسیب زا عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه ساز مؤثر هستند که فرد مرتکب شونده، تنها بخشی از قضیه می باشد.

در واقع، باید با این نگاه به مجرم نگریست که مجرم یک بیمار است. به تعبیر پریودو داریل: «بزهکار یا مریض است و یا نادان. باید به درمان و آموزش او پرداخت، نه اینکه او را خفه کرد»^(۳۲).

اصولاً اسلام به پیش گیری جرم بیش از اصلاح مجرم اهتمام دارد. به همین دلیل پیش از هر چیز به عوامل به وجود آورنده و زمینه های گناه و جرم توجه ویژه دارد و برای مقابله با آن چاره سازی کرده است. اسلام، آگاهی، علم و تفکر را مایه اساسی هر نوع پیشرفت و سعادت دانسته، آن را بسیار می ستاید و از جهل و نادانی که مایه بدبختی و گناه است، نهی می کند. به امر رعایت بهداشت و نظافت عنایت ویژه داشته و برای سلامت روح و روان، نیز به اقامه نماز و دعا امر فرموده و گذشت، مهربانی و صبوری. حق شناسی، سپاسگزاری، رعایت حرمت دیگران، عدل و احسان، توصیه نموده و از نفاق، ریا، دروغ، افترا و تحقیر به شدت بیزاری جسته است. همه افراد را در برابر اعمال خویش مسئول دانسته و می فرماید: هر کار ریز و درستی در اعمال افراد ثبت و عمل هیچ کس ضایع نخواهد شد .

علاوه بر این، به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه همگانی توجه کرده و انجام عبادات روزانه فردی و جمعی را به عنوان عوامل پیش گیرانه مطرح کرده است. البته، در جای خود پس از وقوع جرم و علی رغم آن همه التفات و توجه به امر پیش گیری و اصلاح و بازپروری، اسلام برای مجازات نیز به عنوان اهرمی برای جلوگیری از تکرار وقوع جرم تأکید فراوان دارد. در واقع، مجازات ها در اسلام نیز برای امر پیش گیری است.

پی نوشت ها

- ۱- هدایت الله ستوده، آسیب شناسی اجتماعی، (تهران: نشر آوای نور، ۱۳۷۹)، ص ۱۴ و ۱۵.
- ۲- همان.
- ۳- همان، ص ۵۰.
- ۴- همان، ص ۷۵ و ۸۰.
- ۵- مجله ایران جوان، ش ۱۴۹، ص ۴.
- ۶- محمدرضا طالبان، دینداری و بزهکاری، تهران، فجر اسلام، ۱۳۸۰، ص ۳۸.
- ۷- مجله زن روز، ش ۱۷۷۳، ص ۱۴.
- ۸- علی اصغر قربان حسینی، جرم شناسی و جرم یابی سرقت، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۱، ص ۳۱.
- ۹- همان.
- ۱۰- محمد فولادی، بررسی میزان و عوامل اقتصادی اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم، قم، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۷.
- ۱۱- عباس عبدی، آسیب شناسی اجتماعی، قم، سپهر، ۱۳۷۱، ص ۴۵۵.
- ۱۲- همان.
- ۱۳- همان.
- ۱۴- محمد فولادی، پیشین، ص ۱۷۴.
- ۱۵- علی حسین نجفی ابرندآبادی، «بزهکاری و شرایط اقتصادی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹، سال ۱۳۷۰.
- ۱۶- مجله کتاب زنان، ش ۱۵، ص ۶۷.
- ۱۷- محمد فولادی، پیشین، ص ۱۷۴.
- ۱۸- هفته نامه خبری علمی برنامه، ش ۳۵، ۱۳۸۲/۷/۵، ص ۴.
- ۱۹- آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۰.
- ۲۰- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، جامعه شناسی روش های درمان گروهی، ص ۵.

- ۲۱- ر.ک: جعفر سخاوت، جامعه شناس انحرافات اجتماعی، چ چهارم، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۶.
- ۲۲- رابرتسون یان، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۰.
- ۲۳- محمد فولادی، پیشین، ص ۱۶۳.
- ۲۴- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، کتاب «الایمان و الکفر مجالسه اهل المعاضی»، ذیل حدیث ۳.
- ۲۵- نهج البلاغه، خ ۸۶، ص ۱۱.
- ۲۶- محمدبن یعقوب کلینی، پیشین، حدیث ۳.
- ۲۷- المینگرت رونالوس، کودک و مدرسه، ترجمه شکوه نوابی نژاد، تهران، رشد، ۱۳۶۸، ص ۶۹.
- ۲۸- مجله کتاب زنان، ش ۱۵، ص ۶۵.
- ۲۹- همان.
- ۳۰- مجله ایران دخت، ش ۱۷، ص ۱۳.
- ۳۱- مجله کتاب زنان، ش ۱۵، ص ۶۶.
- ۳۲- ر.ک به: هانری لوی برول و دیگران، حقوق و جامعه شناسی، ترجمه مصطفی رحیمی و دیگران، تهران، سروش، ۱۳۷۱.

کلیدواژه : #هنجارها #انحراف #جوانان #نوجوانان #جرم #اجتماعی #خانواده #رفتار #پیدایش #آسیب_شناسی
#آسیب #اجتماع

منابع

<https://hawzah.net>

<http://www.dailyafghanistan.com>